

آموزش

وترویج کشاورزی

برگرفته از: گزارش ۱۰ ساله پی گیری مصوبات کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD)

ترجمه: رضا ذوقدار مقدم

● به منظور بهبود عملکرد و میزان تولید و وضعیت رفاهی زنان کشاورز، ۱۶ کشور به تربیت مروجان زن و استفاده از آنها در جهت رسیدگی به مسایل زنان روستایی مبادرت کرده اند. به عنوان مثال بنگلادش که در سال ۱۹۸۲ حتی يك مروج زن نداشت، اکنون ۳۲۰ مروج زن تربیت و استخدام کرده است.

● پیام های ترویجی علاوه بر مسایل مربوط به تولید، موضوعات دیگری از قبیل ایجاد اصلاحات در اقتصاد و زندگی روستایی، مدیریت مزرعه و خانه، تأمین اعتبار و بازاربایی و آموزش تغذیه و تنظیم خانواده را در برمی گیرد.

اشاره:

در چند شماره های پیشین تحت عنوان «تجربیات جهانی توسعه روستایی» سه بخش از گزارش ۱۰ ساله پی گیری مصوبات کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD) سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی (فائو) را ترجمه و به نظر خوانندگان مجله رساندیم.

همان طور که قبلاً هم متذکر شدیم، گزارش مذکور به بررسی پیشرفت های پدست آمده در زمینه به اجرا گذاشتن مصوبات کنفرانس در

کشورهای مختلف عضو کنفرانس می پردازد و تجارب آن کشورها را براساس گزارش های ارسالی از سوی آنها مورد بررسی قرار می دهد.

در شماره های پیشین بخش های مربوط به «مشارکت مردمی»، «دسترسی به نهاده»، «توسعه فعالیت های غیرکشاورزی در مناطق روستایی» را از گزارش مورد اشاره ترجمه و به نظر علاقه مندان رساندیم. در این شماره بخش دیگری از گزارش را تحت عنوان آموزش و ترویج کشاورزی ترجمه و به نظر خوانندگان محترم می رسانیم.

از هنگام برگزاری کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD) تاکنون در شماری از کشورهای عضو کنفرانس، پیشرفت های قابل توجهی در زمینه خدمات ترویج کشاورزی در چهارچوب طرح ها و برنامه های کشاورزی و توسعه روستایی صورت پذیرفته است. گزارش های ارسالی از تعداد زیادی از کشورهای حاکی از تقویت و تحکیم موقعیت سازمان های ترویجی و تأکید مجدد بر لزوم اشاعه و گسترش خدمات ترویجی در آن کشورها است. همچنین شمار رو به تزایدی از گزارش های دریافتی نشانگر آن است که خدمات ترویج کشاورزی به سوی برآورده سازی نیازهای کشاورزان خرده پا جهت داده می شود. متأسفانه تنها در معدودی از کشورها، زنان کشاورز روستایی به صراحت در میان گروه های ذینفع در خدمات ترویج کشاورزی گنجانده شده اند. معهذ، شمار رو به تزایدی از کشورها در حال اتخاذ ره یافت ترویجی مشارکتی هستند که یکی از توصیه های مشخص (WCARRD) بود. بنابراین، روی هم رفته می توان گفت براساس توصیه های که از سوی (WCARRD) ارائه شد، پیشرفت هایی- هر چند به آرامی- در زمینه های تقویت و استحکام موقعیت و قابلیت های ترویج، جهت دهی فعالیت های ترویجی به سمت کشاورزان خرده پا، زنان و جوانان روستایی، و اتخاذ ره یافت های مشارکتی در ترویج حاصل شده است.

از نقطه نظر گروه های مورد توجه ترویج در گذشته، تأکید بر روی خانورهای کشاورز بود. این گرایش باعث می شد که خدمات ترویجی به تعداد معدودی از کشاورزان عمده به بهای نادیده گرفته شدن کشاورزان خرده پا تعلق بگیرد. تا سال ۱۹۸۶ گزارش های واصله از سوی ۱۷ کشور عضو حاکی از جهت دهی خدمات ترویج کشاورزی به سوی برآورده سازی نیازهای کشاورزان خرده پا بود که از میان آنها کشورهای بنگلادش، لیبیا، سری لانکا و کیپ وردا گزارش کرده بودند که بیش از ۷۵ درصد خدمات ترویجی در آن کشورها به کشاورزان خرده پا ارائه می شود. ذکر زنان کشاورز روستایی در زمره گروه های مورد نظر ترویج، مطلبی است که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است. معهذاً اکنون کشورهای بیش تری نسبت به قرار دادن زنان کشاورز تحت پوشش خدمات ترویجی علاقه مندی از خود نشان می دهند. در بنگلادش و سوریه گروه های کثیری از زنان کشاورز مورد توجه ترویج قرار گرفته،

مروجان روستایی به مسایل آنها رسیدگی می کنند. اما گزارش های دریافت شده از کشورهای رواندا و زامبیا حاکی از آن است که در آن کشورها که تنها ۱۵ و ۱۰ درصد از زنان روستایی تحت پوشش خدمات ترویج قرار گرفته اند.

در مجمع الجزایر کامارو شصت گروه از زنان کشاورز از خدمات ترویج کشاورزی بهره مند گردیده اند. در مقابل، تنها معدودی از کشورها از جوانان روستایی و کشاورزان جوان به طور مشخص به عنوان گروه های مورد نظر ترویج نام برده اند. یکی از این کشورها سری لانکا است که گزارش کرده است در آن کشور سالانه بیش از ۳۰۹۰۰ دختر و ۲۴۰۰۰ پسر جوان روستایی از خدمات ترویج کشاورزی بهره مند می شوند.

همراه با جهت دهی خدمات ترویج کشاورزی به نفع گروه های ذکر شده در بالا به نظر می رسد تغییرات و تعدیلاتی نیز در دریافت های ترویجی صورت می گیرد تا بتوان با کم ترین هزینه به چنین گروه های عظیمی از مردم روستایی رسیدگی کرد. دریافت ترویج کشاورزی مشارکتی (که از توصیه های WCARRD در زمینه مشارکت مردمی مایه می گیرد به درجات مختلفی از اجرا در شمار متعددی از کشورها پذیرفته شده است. به عنوان مثال اندونزی از حدود ۲۲۲۰۰۰ گروه از کشاورزان در فعالیت های ترویجی اش استفاده می کند و ایتوبی نیز فعالیت های ترویجی خود را از طریق ۲۰۱۰۰ انجمن دهقانی به مرحله اجرا درمی آورد. بورکینافاسو و کیپوردا نیز خاطر نشان کرده اند که بیش از ۷۰ درصد از فعالیت های ترویجی خود را از رهگذر برنامه های مشارکتی به اجرا درمی آورند.

ره یافت دیگری که به منظور افزایش دسترسی کشاورزان خرده پا به خدمات ترویجی با هزینه کم تر مورد استفاده قرار گرفته، استفاده از کشاورزان رابط یا رهبران ترویج بوده است. هم اکنون بورکینافاسو از ۶۰۰۰ و بنگلادش از ۷۰۰۰۰۰ کشاورز آموزش دیده به عنوان کشاورز رابط به منظور ارائه خدمات ترویجی استفاده می کنند. اندونزی نیز از ۲۲۲۰۰۰ کشاورز دوره دیده، هم به عنوان سازمان دهندگان گروه های ترویجی و هم به عنوان رهبران ترویجی استفاده می کند. کشورهایی که به ره یافت استفاده از کشاورزان رابط و بهبود و افزایش قابلیت های آنها روی آورده اند، به تنگناها و محدودیت های این ره یافت واقف هستند. معذرا، روی هم رفته این اقدام آنها دسترسی گروه بیش تری از کشاورزان را به خدمات ترویجی (آنها با توجه به کمبود کادرهای ترویجی) مقدور ساخته است.

به عنوان ره یافتی در جهت بهبود عملکرد و میزان تولید و وضعیت رفاهی زنان کشاورز، ۱۶ کشور به تربیت مروجان زن و استفاده از آنها در جهت رسیدگی به مسایل زنان روستایی مبادرت ورزیده اند. به عنوان مثال بنگلادش که در سال ۱۹۸۲ حتی يك مروج زن نیز نداشت، اکنون ۳۲۰ مروج زن تربیت و استخدام کرده است و این تنها ۱۰ درصد از تعداد مورد نظر است. گزارش های دریافت شده از سوریه، جامائیکا و گواتمالا نیز حاکی از افزایش کادر زنان مروج در آن کشورهاست. معذرا بیش ترین تعداد و درصد زنان مروج متعلق به کشورهای فیلیپین و سری لانکا است، به طوری که به ترتیب ۳۵ و ۳۱ درصد از کادر ترویج کشاورزی این کشورها را زنان مروج تشکیل می دهند.

دیگر روش ها و ره یافت های ترویجی که به منظور رسیدگی به شمار بیش تری از جمعیت کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرند، عبارتند از: نمایش های سرمزرعه، سفرهای ترویجی و استفاده از روش های چند رسانه ای (یعنی استفاده همزمان از چند روش برای ارائه پیام ها و آموزش های ترویجی). ۱۸ کشور استفاده از نمایش های سرمزرعه را در فعالیت های ترویجی خود گزارش کرده اند و سایر کشورها نیز با از سفرهای ترویجی و یا از روش های چند رسانه ای درحد محدود در فعالیت های ترویجی خود استفاده کرده اند.

ذکر این نکته که بایستی به کشاورزان خرده پا رسیدگی کرد، به تنهایی کافی نیست. آنها بایستی به تکنولوژی های که مربوط و سازگار با نیازها،

سایع و نظام های کشاورزی آنها باشد، دسترسی پیدا کنند. بسیاری از کشورها نیاز تغییر سیستم قبلی را که مبتنی بر ارائه پیام های ترویجی برای يك نوع محصول است، به سیستم جدیدی که بتواند نظام های زراعی و الگوهای کشت پیچیده تری را که معمولاً کشاورزان خرده پا اتخاذ می کنند تحت پوشش قرار دهد، خاطر نشان ساخته اند.

این امر همچنین اهمیت تحقیقات نظام های زراعی را در حمایت از طرح ها و برنامه های ترویجی که در پی کمک به کشاورزان خرده پا و زنان کشاورز است، نشان می دهد. يك جنبه دیگر از پیام ترویج در چهارچوب توسعه و عمران روستایی این است که آیا این پیام اطلاعاتی درباره موضوعاتی غیر از مسئله تولید در بردار یا خیر؟ گزارش های حدود ۲۰ کشور حاکی از آن است که پیام های ترویجی آنها مسایل و موضوعاتی از قبیل ایجاد اصلاحات در اقتصاد و زندگی روستایی، مدیریت مزرعه و خانه، تأمین اعتبار و بازاریابی و آموزش تغذیه و تنظیم خانواده را در برمی گیرد. به عنوان مثال در حالی که بنگلادش تنها آموزش تنظیم خانواده را در فعالیت های ترویجی اش گنجانده است، زامبیا مدیریت مزرعه، اقتصاد خانوار و تغذیه را نیز در برنامه های خود گنجانده است. به نظر می رسد هنوز امکان بیش تری برای تقویت و غنی سازی پیام های ترویجی به منظور برآورده سازی طیف کامل تری از نیازهای کشاورزان کشورهای در حال توسعه وجود دارد.

سازمان و ساختار نظام های ترویجی نیز در



زمینه نوع خدماتی که این نظام‌ها می‌توانند به کشاورزان خرده‌پا، زنان و جوانان کشاورز روستایی ارائه کنند، نقش تعیین کننده دارد. به عنوان مثال ممکن است در آن دسته از نظام‌های ترویجی که بر مبنای توجه به یک نوع محصول خاص سازماندهی شده‌اند، کشاورزان خرده‌پا و زنان کشاورز که معمولاً چندین محصول را کشت می‌کنند، نادیده گرفته شوند. هزینه گرداندن سازمان‌های ترویجی پراکنده نیز می‌تواند بسیار بالا باشد که در نتیجه آن منابع و امکانات کمی برای کار میدانی باقی خواهد ماند.

اقدامات مثبتی نیز در جهت از میان برداشتن بعضی از پراکندگی‌های عملیات و تشکیلات ترویج کشاورزی برداشته شده است و بعضی کشورها، سازمان‌های ترویجی خود را به اداره ترویج کشاورزی با تشکیلاتی قوی‌تر و مستحکم‌تر تبدیل کرده‌اند. به عنوان مثال بنگلادش این مهم را با ایجاد شش کانال خدمات رسانی برای شش نوع محصول محقق ساخت. اندونزی و سری‌لانکا نیز به تقویت و تحکیم سازمان‌های ترویج تجدید سازماندهی شده خود ادامه داده‌اند. سایر کشورها نیز اقدامات متفاوتی را به انجام رسانده‌اند. در موزامبیک مجمع ملی توسعه روستایی ایجاد شده است که وظیفه آن هماهنگ سازی تمامی فعالیت‌های ترویجی در کشور است. گامبیا، کنیا و زامبیا ساختار ترویجی مثبتی بر روش آموزش و ملاقات را اتخاذ کرده‌اند و مصر نیز در جهت تمرکززدایی مراکز و خدمات ترویجی‌اش گام‌هایی برداشته است. ساقوآی غربی نوع سیاست ترویجی عمومی را برگزیده

است که بر مبنای آن کارگزاران ترویج (مروجان) در تمامی زمینه‌های کشاورزی از قبیل زراعت، دامپروری، شیلات و گسترش جنگل‌ها با کشاورزان کار می‌کنند. سوریه و مالاوی ساختار اجرایی جدیدی را برای نظام ملی ترویج خود برگزیده‌اند و کشورهای چون کیپ‌وردا به ایجاد مراکز هماهنگ کننده فعالیت‌های ترویجی اقدام کرده‌اند.

عامل مهم دیگری که بر کارایی و تأثیر برنامه‌ها و فعالیت‌های ترویج کشاورزی تأثیر تعیین کننده دارد، نوع و میزان خدمات و حمایت‌هایی است که کارگزاران خط مقدم ترویج دریافت می‌کنند. مهم‌ترین این خدمات حمایتی را تأمین متخصصین موضوعی، آموزش ضمن خدمت و خدمات ارتباطی تشکیل می‌دهد. گزارش‌های دریافتی از کشورهای قبرس، مصر و سوریه حاکی از تأمین خدمات حمایتی برای کارگزاران ترویجی است. اما گزارش‌های واصله از اکثریت کشورهای دیگر نشان می‌دهد که تنها یکی (یا بیش‌تر) از انواع خدمات حمایتی آنهم به میزان ناکافی، تأمین می‌شود. به عنوان مثال در سری‌لانکا هنوز توجه زیادی به ارائه خدمات ارتباطی نمی‌شود، اما به ارائه خدمات آموزشی و تأمین متخصصین موضوعی توجه کافی مبذول می‌شود. میزان و نحوه کارایی کارگزاران ترویج کشاورزی (مروجان) ارتباط نزدیکی با ظرفیت و توانایی آنها در کار مؤثر با کشاورزان خرده‌پا دارد. معمول‌ترین اقدامی که در این زمینه صورت گرفته است، افزایش تعداد مروجان کشاورزی است. به عنوان مثال اکوادور تعداد مروجان کشاورزی خود

را از ۲۶۴ نفر در ۱۹۷۵ به ۶۳۳ نفر در ۱۹۸۶ افزایش داده است. در همین حال، تایلند نیز نسبت مروجان کشاورزی به کشاورزان را از (یک به ۴۰۰۰) در ۱۹۸۰ به (یک به ۲۲۰۰) نفر) در ۱۹۸۵ بهبود بخشیده است. شمار دیگری از کشورهای نیز (مانند سری‌لانکا، موریتانی و هائیتی) دستیابی به نسبت مطلوبی از تعداد مروج به کشاورز (یک نفر به ۵۰۰ نفر یا بیش‌تر) را گزارش کرده‌اند.

همچنین گزارش شده است که در روش‌ها و دریافت‌های جدیدی به منظور برآورده‌سازی هر چه بیش‌تر نیازهای ترویجی مورد آزمایش قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به ایجاد مراکز ترویجی روستایی اشاره کرد که به عنوان پایگاه عملیاتی مروجان کشاورزی عمل می‌کنند. کشور چین گزارش کرده است که بیش از ۱۷۰۰۰۰ ایستگاه ترویجی در بخش‌ها و شهرستان‌های آن کشور ایجاد شده است که ۴۵۰۰۰۰ مروج روستایی در قالب آنها به فعالیت مشغولند. در اندونزی نیز ۱۴۸۲ مرکز ترویجی روستایی ایجاد شده است که ۳۲۱۲۱ مروج کشاورزی از آنها استفاده می‌کنند. در همین حال، ساموآی غربی نیز گزارش کرده است که ۲۸ مرکز ترویجی-آموزشی در آن کشور وجود دارد.

همچنین در اقدام دیگری، بنگلادش مناطق روستایی خود را به بیش از ۱۲۰۰۰ بلوک مباشرتی و نظارتی ترویجی تقسیم کرده است. در هر بلوک یک نفر مروج کشاورزی به میزان متوسط برای ۸۰۰ نفر کشاورز (که ۸۰ نفر از آنها به عنوان کشاورز رابط برگزیده شده‌اند) در نظر گرفته شده است. تجارب کشورهای فقیرتر نشان می‌دهد که دستیابی به نسبت‌های قابل قبولی از مروج به کشاورز چه به لحاظ منابع محدود بودجه‌ای و چه به لحاظ محدودیت نیروی انسانی کارآزموده-همیشه امکان‌پذیر نیست. از این رو اتخاذ دریافت‌ها و روش‌ها و جهت‌گیری‌هایی که این کشورها را قادر سازد در چهارچوب امکانات و منابع محدودی که در اختیار دارند به طور مؤثر به شمارکنند از کشاورزی خرده‌پا رسیدگی کنند، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین ممکن است دریافت‌های مشارکتی و روش‌های گروهی که اکنون تحت آزمون قرار دارند نه تنها به لحاظ کارایی عملی، بلکه به خاطر پایین بودن هزینه‌ها و کارایی بیش‌تر در مقایسه با هزینه‌های صرف شده مطرح شوند.

از جمله مسائلی که به عوامل سازماندهی درونی در کار ترویج مربوط می‌شود، پیوندهایی است که این تشکیلات بایستی با مراکز



تحقیقاتی، آموزشی و سایر سازمان‌های دست اندرکار در توسعه روستایی داشته باشد. در این ارتباط، بسیاری از کشورها تلاش‌های آگاهانه‌ای را در زمینه پیوند دادن ترویج با تحقیقات به عمل آورده‌اند و سایر کشورها نیز رشته اقداماتی را به منظور ایجاد پیوندهای افقی میان تشکیلات ترویج و دیگر مراکز و سازمان‌های دست اندرکار امور کشاورزی و توسعه روستایی، همچون سازمان‌های تأمین کننده نهاده‌ها و مؤسسات اعتباری و بازاریابی به عمل آورده‌اند.

به عنوان مثال در زمینه ایجاد ارتباط با تحقیقات می‌توان از ایجاد مراکز ترویجی کشاورزی - فنی در چین نام برد که در آنها انجام کارها و فعالیت‌های تحقیقی - آزمایشی، آموزشی و ترویجی به عنوان وظایف يك مرکز واحد در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال‌های دیگری در این مورد می‌توان از اقدامات بنگلادش در زمینه پیوند دادن تحقیقات کشاورزی با آموزش‌ها و گفت‌وگوهای سرمرزعه، تشکیل کمیته‌های کار فنی در تمامی سطوح در سری لانکا و ایجاد دفاتر رابط تحقیقات و ترویج در مصر و لیبیا یاد کرد. کشورهای دیگری چون اندونزی، قبرس، مالای و پاکستان از متخصصان موضوعی به عنوان کانال انتقال اطلاعاتی فنی میان تحقیقات و ترویج استفاده می‌کنند. در اتیوپی و کنیا ایستگاه‌های تحقیقات تجربی - که محلی برای آموزش یافته‌ها و توصیه‌های جدید به مروجان به شمار می‌روند - پل ارتباطی میان ترویج و تحقیقات هستند. در زمینه ارتباط ترویج با دیگر سازمان‌های دست اندرکار توسعه روستایی، مراکز خدمات کشاورزی در سری لانکا و کمیته‌های منطقه‌ای در مالای، مکانیسم‌های ارتباطی را تشکیل می‌دهند. در قبرس، جامائیکا، پاکستان و سوریه نیز بدین منظور از تکنیک‌ها و مکانیسم‌های هماهنگ کننده استفاده می‌شود. بعضی از کشورها نظیر اتیوپی و اندونزی نیز از گروه‌های کشاورزان و تعاونی‌ها به منظور ایجاد پیوند و ارتباط در سطح مزرعه استفاده می‌کنند.

در خصوص هدف مشارکت مردمی و ارتقاء و گسترش خوداتکایی معدودی از کشورها مردم را به طور مؤثر در برنامه‌ریزی‌های ترویجی شرکت داده‌اند. در این میان، چین يك استثنا است. در این کشور مردم نیز در تأمین وجوه بعضی از فعالیت‌های ترویجی شرکت دارند. معهذاً روی هم‌رفته شمار رو به افزایش کشورهایی که به استفاده از رهیافت‌های ترویجی مشارکتی روی می‌آورند، حاکی از پیشرفت در این مسیر مورد توجه و توصیه (WCARRD) است.

بهبود و افزایش تعداد و کیفیت مروجان کشاورزی، نیازمند آموزش، نظارت و مباشرت بیش‌تر است. غالباً کشورها هنگامی که با کمبود کادر ترویجی روبه‌رو میشوند، غالباً مجبور به استخدام و بکارگیری کارمندانی با کیفیت پایین می‌شوند. به عنوان مثال حدود ۳۰ درصد از کارگزاران میدانی ترویج (مروجان) در کشور چاد یا از سطح آموزش پایینی برخوردارند، یا اصلاً آموزش رسمی ندیده‌اند و در فیجی و موزامبیک نیز

واحد و پرسنل خاصی برای این کار دارند. برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای کادر ترویج در نیمی از گزارش‌های دریافت شده از کشورها، منعکس شده است، اما در تعداد کمی از آنها وجود واحد ویژه‌ای برای انجام این کار گزارش شده است. به نظر می‌رسد فرصت و مجال بیش‌تری برای بهبود و گسترش این جنبه از کار ترویج وجود داشته باشد. با گذشت حدود هشت سال از برگزاری

● در کشورهای فقیر، دست‌یابی به نسبت‌های قابل قبولی از مروج به کشاورز - چه به لحاظ منابع محدود بودجه‌ای و چه به لحاظ محدودیت نیروی انسانی کارآزموده - همیشه امکان‌پذیر نیست. از این رو، اتخاذ روشی که این کشورها را قادر سازد تا در چهارچوب امکانات و منابع محدودی که در اختیار دارند، به شمار کثیری از کشاورزان رسیدگی ضروری به نظر می‌رسد.

● میزان و نحوه کارآیی کارگزاران ترویج کشاورزی (مروجان) ارتباط نزدیکی با ظرفیت و توانایی آنها در کار مؤثر با کشاورزان خرده‌پا دارد و معمول‌ترین اقدامی که در این زمینه صورت می‌پذیرد افزایش تعداد مروجان کشاورزی است.

فقدان پرسنل ترویجی آموزش دیده و کارآمد مشکلی اساسی به‌شمار می‌رود. در ممالک دیگری چون بنگلادش، کنیا و زامبیا کمیود نیروهای متخصص دیگر همچون متخصصان موضوعی و مربیان و آموزشگران رخ می‌نماید. با این حال، کشورهایی نیز وجود دارند (نظیر مصر، فیلیپین، سری لانکا و...) که در زمینه استخدام پرسنل ترویجی به استانداردهای لازم دست پیدا کرده‌اند. و همچنین قابل ذکر است که بعضی کشورها هم با تغییر ساختار سازمان‌های ترویج خود در جهت فعالیت از طریق ایجاد گروه‌های کشاورزان و کشاورزان رابط و رهبران ترویج توانسته‌اند فرصت بیش‌تری برای ارائه سطح بالاتری از آموزش به کادر ترویجی خود به دست آورند.

کارگزاران ترویج کشاورزی (مروجان) بایستی همواره آمادگی خود را برای برآورده‌سازی نیازها و الزامات در حال تغییر نظام کشاورزی و خود سازمان ترویج حفظ کنند. از این رو، سازمان‌های ترویج کشاورزی نیاز به برگزاری برنامه‌های منظم آموزش ضمن خدمت و در نظر گرفتن

(WCARRD) (کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی) اکنون به نظر می‌رسد پیشرفت قابل توجهی در زمینه ترویج و آموزش کشاورزی (با جهت‌گیری مشخص در کمک به پیشبرد توسعه روستایی) صورت پذیرفته است. افزایش تعداد پروژه‌های میدانی ترویجی (به میزان ۳۶ درصد بین سال‌های ۸۳ - ۱۹۸۰ و - ۸۶ - ۱۹۸۴) که از سوی فائو پشتیبانی فنی می‌شوند، تا اندازه‌ای منعکس کننده این واقعیت است. گرچه در شمار روبه‌تزايدی از کشورها پیوسته طرح‌ها و برنامه‌های ترویج کشاورزی به سوی برآورده‌سازی نیازهای کشاورزان خرده‌پا جهت داده می‌شوند، اما به نظر می‌رسد تغییر جهت این سازمان‌ها به سوی تأمین نیازهای زنان کشاورز و جوانان روستایی آژانگ کندتری برخوردار است. معهذاً، گسترش رهیافت‌های مشارکتی در ترویج در جهت تحقق بخشیدن به ایده رهبران ترویج کشاورزی در کشورهای در حال توسعه گام برمی‌دارد و انتظار می‌رود پیشرفت‌های بیش‌تری در این زمینه بدست آید.

■ زیرنویس:

1 - multi - media